

«روحانی» خبر داد:

اجرای پلکانی طرح فاصله‌گذاری هوشمند اجتماعی



۲

برای «مهمسازانی» نوجوان
تکواندوکار کشورمان؛

ای که دستت می‌رسد کاری بکن!



۳

با مردم راستگو باشید!

سرخابی‌ها قابل واگذاری نیستند



۸

«دنیای هوادار» حواشی

بی پایان «مهران مدیری»

را بررسی می‌کند!

«زرد می نویسم

پس هستم»!

چگونه با بهای بیش از حد

به «فیک نیوز» و خالقانش ناخواسته

به آن‌ها اعتبار می‌بخشیم؟



انتظامی و حوادث

سردار «عباسعلی محمدیان»:
۲۱۱ هزار لیتر مواد ضد عفونی
احتکاری در البرز کشف شد



فرمانده انتظامی البرز از کشف ۲۱۱ هزار لیتر محلول ضد عفونی کننده احتکاری طی یک ماه گذشته در این استان خبر داد. به گزارش «دنیای هوادار»، سردار عباسعلی محمدیان روز گذشته اظهار داشت: طی این مدت از پنج هزار و ۷۷۸ واحد صنفی بازدید، ۶۶۳ واحد صنفی که بر خلاف مصوبات طرح فاصله گذاری اجتماعی فعالیت داشتند، پلمب و برای یک هزار و ۸۲۲ واحد صنفی نیز اخطار پلمب و تعهد صادر شد. وی با تأکید بر ضرورت بسیج همگانی در مقابله با شیوع کرونا و لزوم پایبندی کلیه آحاد جامعه به مصوبات طرح فاصله گذاری اجتماعی، خاطر نشان کرد: همچنین طی مدت یاد شده، ۳۶۹ هزار و ۸۳۷ عدد دستکش و ماسک، ۲۱۱ هزار و ۱۸۹ لیتر محلول ضد عفونی کننده و ۱۳ طاقه پارچه که برای ساخت ماسک احتکار شده بود، کشف شد.

محمدیان اضافه کرد: در اجرای طرح فاصله گذاری هوشمند اجتماعی و پیشگیری از شیوع ویروس کرونا، پلیس استان با همکاری سازمان های مرتبط طرح های کنترلی و نظارتی را به صورت مستمر اجرا می کند و این طرح با هدف قطع زنجیره انتقال بیماری با کاهش تماس ها، کاهش تردد و جلوگیری از ورود خودروهای غیربومی به استان و حذف تردد های غیرضروری در سطح استان همزمان با سایر نقاط کشور اجرایی شده است.

وی اجرای طرح فاصله گذاری هوشمند اجتماعی، تهیه و تولید اقلام بهداشتی و مواد ضد عفونی برای یگان های انتظامی، گندزدایی معابر شهری توسط یگان ویژه استان، مقابله با محتکران اقلام و تجهیزات پزشکی و کنترل و نظارت بر واحدهای صنفی و راه اندازی کارگاه جهادی تولید ماسک های قابل شست و شورد ستاد فرماندهی انتظامی شهرستان «اشتهارد» را بخشی از اقدامات پلیس در طرح مقابله با کرونا اعلام کرد.

سردار محمدیان در خصوص اقدامات اجتماعی مقابله با کرونا افزود: مدیریت بر افکار عمومی با تهیه و تولید پیام های مشاوره ای در قالب پیام های امید بخش و اطلاع رسانی از رسانه ای جمعی در خصوص پیشگیری از کرونا و جلوگیری از پخش شایعات، مصاحبه مستمر مسئولان انتظامی با صدا و سیما و رسانه های گروهی، تبلیغات میدانی در قالب نصب بنر و پخش بروشور و تهیه کلیپ، موشن گرافیک و نشر در شبکه های اجتماعی استان از جمله اقدامات پیشگیرانه در خصوص شیوع ویروس کرونا است.

فرمانده انتظامی استان البرز گفت: استمرار اقدامات کنترلی و طرح های نظارتی تا پایان ریشه کنی ویروس کرونا ادامه دارد و مردم در صورت مشاهده هرگونه تخلف در صنوف، احتکار و... موضوع را به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ اطلاع تا اقدام لازم انجام گیرد.



خبر اول

روحانی افزود: آنچه در این جلسه به آن رسیدیم این است که تمامی روسای کمیته ها باید ارزیابی های دقیق از اجرای طرح فاصله گذاری هوشمند اجتماعی داشته باشند و موانع و مشکلات آن را در تمامی استان هایی که در حال اجرا است، بررسی و نسبت به رفع آن ها در کوتاه ترین زمان اقدام کنند. وی با اشاره به ماموریت های محول شده به وزارت بهداشت و معاونت علمی ریاست جمهوری خاطرنشان کرد: ماموریت بسیار مهمی به وزارت بهداشت و درمان و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری داده شده که با تقویت و پشتیبانی شرکت های دانش بنیان و مراکز مطالعاتی دانشگاه های علوم پزشکی در تهیه دارو، تشخیص و تست و نیز تهیه واکسن این ویروس فعالیت کنند که با توجه به توان و بنیه علمی متخصصان کشورمان دستیابی به دارو و واکسن دور از دسترس نخواهد بود.

وی با بیان اینکه مردم شریف عزیز باید بدانند که اجرای فاصله گذاری هوشمند اجتماعی تنها برای فعالیت کسب و کارهای کم ریسک است، ابزار داشت: به هیچ وجه نباید این طور تلقی شود که این ویروس و اپیدمی آن به طور مطلق از بین رفته است و همه پروتکل های بهداشتی باید با جدیت رعایت شود. بر این اساس کماکان در خصوص اجتماعات و مراکز پرریسک محدودیت ها وجود دارد و مردم نباید برای کارهای غیرضروری از منزل بیرون بیایند. مسئولان کماکان از مردم انتظار دارند در رعایت پروتکل ها دقت کرده و در شرایطی که کار ضروری ندارند، در منزل بمانند.



«روحانی» خبر داد:
اجرای پلکانی
طرح فاصله گذاری
هوشمند اجتماعی

رئیس جمهوری با بیان اینکه طرح فاصله گذاری هوشمند اجتماعی بر اساس نظر وزارت بهداشت و به صورت پلکانی اجرا می شود، تأکید کرد: آغاز فعالیت کسب و کارهای کم ریسک به معنای تغییر شرایط فاصله گذاری اجتماعی و عدم رعایت دقیق پروتکل های بهداشتی نیست. به گزارش «دنیای هوادار»، حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی روز گذشته در جلسه با روسای کمیته های اجتماعی، امنیتی، آموزشی، اداری، بهداشتی، آموزش عالی، پشتیبانی، اصناف و اقتصادی ستاد ملی مقابله با کرونا گفت: خوشبختانه متخصصان و پزشکان کشور بر اساس مطالعاتی که در ایران انجام دادند و با تبادل تجارب و پژوهش های خود با سایر کشورها تا حدود زیادی توانسته اند به روش های رفتاری این ویروس و راه های مقابله با شیوع آن نزدیک شوند که این بسیار حائز اهمیت است.

روحانی گفت: آنچه در مرحله جدید فاصله گذاری هوشمند اجتماعی دارای اهمیت است این است که طرح مذکور با مطالعه سبک زندگی ایرانی و با مدلی بومی و در عین حال منطبق بر اصول مصوب بهداشت جهانی انجام می شود. رئیس دولت دوازدهم خاطرنشان کرد: طرح فاصله گذاری هوشمند اجتماعی که با کار و تلاش فشرده ستاد ملی مقابله با کرونا و روسای کمیته های آن به انجام رسیده، مدلی کنترلی است که به صورت پلکانی بر اساس نظر وزارت بهداشت و درمان در حال اجرای آن هستیم.

کرونا در ایران

«کیانوش جهانپور»:

بهبود یافتگان کرونا در کشور به ۴۱ هزار و ۹۴۷ نفر رسید



بهبود یافته و ترخیص شده اند. ۳۹۸۷ نفر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در وضعیت شدید این بیماری تحت مراقبت قرار دارند. وی اظهار کرد: تا کنون ۲۵۱ هزار و ۷۰۳ آزمایش تشخیص کووید ۱۹ در کشور انجام شده است. سخنگوی ستاد مقابله با کرونا وزارت بهداشت گفت: هرگونه تردد و سفر غیرضروری شهری و بین شهری نباید انجام شود و صنوفی باید برای بازگشت به چرخه اقتصادی در سامانه salamat.gov.ir ثبت نام کنند. بیش از ۸۰ پروتکل ابلاغی برای صنوف مختلف در سایت موجود است که رعایت آن ها ضروری و قطعی بوده و اگر رعایت نشود، نقض حقوق عامه و سلامت عمومی محسوب شده و از طریق دستگاه قضایی قابل پیگیری خواهد بود.

وی ادامه داد: روند بهبودی بیماران کووید ۱۹ در کشور چشمگیر است. روند بیماری تا این لحظه مدیریت شده است، اما نمی توان در مورد ابتلا به کاهش محسوس اشاره کرد. البته در برخی استان ها روند کاهش مشاهده

رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام کرد: تا کنون ۷۰ هزار و ۲۹ نفر در کشور به طور قطعی به ویروس کرونا مبتلا شده و با فوت ۱۲۵ نفر در ۲۴ ساعت گذشته، تعداد جان باختگان کرونا در کشور به ۴ هزار و ۳۵۷ نفر رسیده است. کیانوش جهانپور روز گذشته درباره آخرین آمار ابتلای قطعی به ویروس کرونا و موارد فوت ناشی از آن در کشور بیان کرد: از دیروز تا امروز ۲۳ فروردین ۱۳۹۹ و بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی ۱۸۳۷ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ در کشور شناسایی شد. با در نظر گرفتن موارد جدید، مجموع بیماران کووید ۱۹ در کشور به ۷۰۰۲۹ نفر رسید.

وی ادامه داد: متأسفانه در طول ۲۴ ساعت گذشته، ۱۲۵ بیمار کووید ۱۹ جان خود را از دست دادند. تا کنون ۴۳۵۷ نفر از بیماران، جان باخته و دیگر در بین ما نیستند. جهانپور بیان کرد: خوشبختانه روند بهبود یافتگان سرعت بالایی گرفته و تا کنون ۴۱۹۴۷ نفر از بیماران،

شده و در ۶ تا ۸ استان از جمله تهران، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کرمانشاه، فارس و خراسان رضوی روند ابتلا با شیب قبلی ادامه دارد. مراکز این استان ها به نوعی کلانشهرها محسوب می شوند و این موضوع باید در ترددها و رفت و آمدها مورد نظر قرار بگیرد.

نیوزویک: زبان های اقتصادی کرونا بر زنان بیشتر است!

سندبرگ در گفت و گو با نشریه نیوزویک نقش کرونا بر روی جامعه زنان را ویرانگر خواند و تأکید کرد: ما نباید حتی لحظه ای را برای رفع مشکلات ساختاری زنان هدر دهیم. براساس آخرین نظرسنجی منتشر شده مشخص شد که به دلیل گسترش ویروس کرونا، بیش از یک سوم زنان از کار بیکار شده، به مرخصی اجباری رفته یا با کاهش حقوق مواجه شده اند. وضعیت برای زنان رنگین پوست حتی بدتر بوده و در زنان سیاه پوست دوبرابر بیشتر از مردان سفیدپوست چنین مشکلات مالی و کاری گزارش شده است.

سندبرگ در گفت و گو با نشریه نیوزویک با اشاره به تشدید نابرابری جنسیتی ناشی از ویروس کرونا، زنان را آسیب پذیرترین قشر در برابر صدمات اقتصادی حاصل از شیوع کرونا دانست. هفته نامه آمریکایی نیوزویک روز شنبه در گفت و گو با شریل سندبرگ مدیر حوزه فناوری، کنتسکو، نویسنده آمریکایی و مدیر ارشد عملیات فیس بوک نوشت: از آنجا که زنان لطامات بسیاری از آسیب های اقتصادی ناشی از کرونا می بینند، بحران کنونی بهداشت جهانی را زنگ خطری برای تشدید نابرابری های جنسیتی دانست.

سندبرگ در گفت و گو با نشریه نیوزویک با اشاره به تشدید نابرابری جنسیتی ناشی از ویروس کرونا، زنان را آسیب پذیرترین قشر در برابر صدمات اقتصادی حاصل از شیوع کرونا دانست. هفته نامه آمریکایی نیوزویک روز شنبه در گفت و گو با شریل سندبرگ مدیر حوزه فناوری، کنتسکو، نویسنده آمریکایی و مدیر ارشد عملیات فیس بوک نوشت: از آنجا که زنان لطامات بسیاری از آسیب های اقتصادی ناشی از کرونا می بینند، بحران کنونی بهداشت جهانی را زنگ خطری برای تشدید نابرابری های جنسیتی دانست.

اختصاصی

برای «مهسا آقایی» نوجوان تکواندوکار کشورمان؛

ای که دستت می رسد کاری بکن!



رضا توافعی

دختری اینجا روی تخت خوابیده و به سختی نفس می کشد. نگاهش خیره به این سو و آن سو است بدون اینکه کلامی حرف بزند. با اینکه حرف نمی زند امام چشمانش انگار می خواهد بگوید فروغ دوباره زندگی را می خواهد. می خواهد باز گردد به زندگی مثل همان زمان هایی که شور نوجوانی اش رنگ های شاد می پاشید به ژرفای دل پدر و مادرش. می خواهد باز گردد به مسیر آرزوهایش. همان روزهایی که با نعره های هرچند دخترانه، آرزوهای ورزشی اش را در رشته «تکواندو» دنبال می کرد. کسی چه می داند شاید در آرزوی سکوی افتخاری بود برای نام ایران و بعد نام خانواده اش. اما حالا...

او فقط روی تخت خوابیده و فقط نگاه می کند. نگاهی که هنوز امید را می شود در آن یافت. نامش مهساست. «مهسا آقایی». تا همین هفت ماه پیش دخترکی بود پر از شور و اشتیاق زندگی. پر از عطر امید و آرزوهای قشنگ. پر از عشقی که بودنش معنای زندگی پدر و مادرش بود. و یک روز شوم و تصادفی لعنتی... لعنت بر آن روز...

مهسا به کما رفت. پدر آه می کشید و گریه می کرد. مادر ناله می کرد و می گریست. حالا جگر گوشه شان بین

حیات و مرگ دست و پا می زد. دکترها گفتند به کما رفته. شاید دیگر شناسی نباشد. دلی شکست، اشکی چکبید، زمرمه ای که یکپارچه خواستن بود و تمام مقدسین را می طلبید به استمداد... هفت ماه گذشت؛ و وعده خدا صادق است. خدا در دل های شکسته است. دخترک بیدار شد. روی ماه مهسا را دیدند که نور زندگی اندکی در آن دویده است. پدر شاد شد و مادر شاد شد. حتی اگر هنوز آسیب های جدی مغزی مهسا باقی است. حالا باز دخترک روی تخت خوابیده و انگار حامل پیامی است برای من و تو. حامل پیامی برای بندگان خداوند. ای که دستت می رسد کاری بکن...

و حالا ماییم و ادعای انسانیت. مائیم و ادعای خلیفت الله. مائیم و غیرت ایرانی. مائیم و زندگی ای کم فروغ پر از شور خواستن فروغی دوباره. مائیم و مهسایی که پدری دارد

لعنت به کرونا. دیگر اصلا کاری نیست. پدر مانده. خیلی از پدران دیگر هم مانده اند اما حکایت این پدر چیز دیگری است. این پدر باید روزی ۲۰۰ هزار تومان برای نگهداری این ماه کم فروغ هزینه کند. از کجا؟

بانک و بیمه

نظام بانکی چه برنامه هایی برای کنترل اثرات اقتصادی «کرونا» دارد؟

با کمک بانک مرکزی و تعدیل نرخ‌های ذخیره قانونی میسر شده و کاهش بیش از این در نرخ کارمزد، با توجه به سایر تکالیف بانک‌ها امکان نداشت.

رئیس کل بانک مرکزی اظهار کرد: علاوه بر ۲۳ هزار میلیارد تومان وام به

یارانه‌بگیران، بانک‌ها به کمک بانک مرکزی، ۵۲ هزار میلیارد

تومان (از کل ۷۵ هزار میلیارد تومان) به بنگاه‌ها و مشاغل

آسیب دیده نیز با همان نرخ ۱۲ درصد وام می‌دهند.

وی خاطر نشان کرد: با توجه به تعویق سه ماهه اقساط و

مطالبات جاری بانک‌ها و مشکلات ترازنامه‌ای

آنها، این تلاش بسیار درخور توجه است.

رئیس کل بانک مرکزی گفت:

رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به برنامه‌های حمایتی نظام بانکی برای کنترل اثرات اقتصادی گسترش کرونا، گفت: این بانک، تمامی تلاش خود را کرده و خواهد کرد تا اقتصاد کشور با کمترین آسیب از این گذرگاه عبور کند.

عبدالناصر همتی روز شنبه با انتشار یادداشتی در اینستاگرام افزود: تمام خواسته و آرزوی دولت و بانک مرکزی، ارائه کمک‌های بیشتر در سطح وسیع‌تر و بلاعوض است، اما تحریم‌های ناجوانمردانه آمریکا به همراه کاهش قیمت نفت، هزینه‌های مقابله با ویروس کرونا و آثار درآمدی آن، امکانات داخل و خارج از بودجه دولت را به شدت در تنگنا قرار داده است.

همتی اضافه کرد: با این حال، برای کمک به رفع نیازهای اولیه بخش بزرگی از مردم که دچار آسیب شده‌اند، سیستم بانکی باید به سرعت تسهیلاتی به اقشار یارانه‌بگیر اختصاص می داد؛ لذا چهار میلیون خانوار کم درآمد بین یک تا دو میلیون تومان وام قرض الحسنه چهار درصد دریافت خواهند کرد و مابه التفاوت آن تا ۱۲ درصد را دولت می‌پردازد.

وی ادامه داد: علاوه بر آن بیش از ۲۳ میلیون خانوار یارانه‌بگیر نیز وام خرید با نرخ ۱۲ درصد دریافت می‌کنند. نرخ ۱۲ درصدی کارمزد این وام‌ها فقط



پر غرور که مناعت طبع عظیمش به او اجازه نمی دهد از کسی یاری بگیرد، حتی وقتی هفت ماه است تمام مخارج بیماری عزیزش را بر دوش کشیده وقتی دیگر کار چندانی هم برای انجام دادن و پول در آوردن ندارد. پدر مهسا در کار باربری و حمل و نقل وسایل است. مرکبی دارد که با آن بار مردم را سبک می کرد و نان حلالی که می آورد بر سفره نور تا مهسایش بالنده شود و بشود ماه آرزوهایش.

لعنت به کرونا. دیگر اصلا کاری نیست. پدر مانده. خیلی از پدران دیگر هم مانده اند اما حکایت این پدر چیز دیگری است. این پدر باید روزی ۲۰۰ هزار تومان برای نگهداری این ماه کم فروغ هزینه کند. از کجا؟

شنیده ایم آمده اند به یاری. خوبان هم آمده اند. «هادی ساعی» آمده به مساعدت؛ دمت گرم پهلوان. «شهردار فردیس» هم آمده؛ دمت گرم مشتکی. اما کافی نیست. اصلا کافی نیست. خیلی بیش از این ها نیاز است. انتظاری زیادی هم نیست. این جا ایران است. مردمانی دارد از جنس نور. مگر می گذارند این شب بدون این قرص، قمر شود؛ من باور ندارم. شما هم نگذارید این باور تلخ بنشیند بر دل هایتان که این شب بدون ماه سپری شود.

و باز هم یادم آمد «ای که دستت می رسد کاری بکن...»

«البرز» چه خبر؟

مدیران و کارکنان برتر دادگستری استان البرز در سال ۹۸ تقدیر شدند



مدیران، قضات و کارکنان اداری دارای عملکرد برتر در سال ۱۳۹۸ توسط رئیس کل دادگستری استان البرز مورد تقدیر قرار گرفتند.

به گزارش «دنیای هوادار»، در نخستین نشست شورای اداری دادگستری استان البرز در سال ۱۳۹۹ مدیران دادگستری و کارکنان قضایی و اداری دارای عملکرد برتر در سال ۱۳۹۸ مورد تقدیر قرار گرفتند.

براین اساس مدیران و کارکنانی که بهترین رتبه عملکرد را داشتند به پیشنهاد معاونت منابع انسانی، توسط رئیس کل دادگستری استان البرز مورد تقدیر قرار گرفتند که به شرح زیر است:

-بهترین عملکرد کمی: یوسف رزقی رئیس دادگستری و روح الله احمدی دادستان شهرستان نظرآباد

-بهترین عملکرد تحولی: علی بستامی رئیس دادگستری و احمد نوروزی رئیس دادگستری ساوجبلاغ (دادستان سابق اشتهارد)

-بهترین عملکرد در بین دادرهای کرج: حسین ناصر خاکی دادستان فردیس (سرپرست سابق دادرهای ماهدشت)

-بهترین عملکرد در بین محاکم کرج: صادق حسونوند سرپرست اجرای احکام مدنی کرج؛ آرش استکی سرپرست محاکم کیفری ۲ کرج؛ شیرزاد اسدی، سرپرست محاکم خانواده کرج

-قضات: علی بدری رئیس شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر دادگستری استان البرز؛ مجید زرگری، مستشار دادگاه تجدید نظر استان البرز؛ محمدرضا زهتابیان، مستشار دادگاه تجدیدنظر استان البرز و با حفظ سمت رئیس شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ کرج؛ توحید پهلوانی رئیس شعبه ۳ دادگاه خانواده فردیس؛ شهرام عزیز، دادیار دادرهای عمومی و انقلاب کرج

-کارکنان اداری برترین عملکرد کمی: علی ملک محمدی، فرشته حسینی منشی، اعظم رضایی کتعیانی.

کاهش ۴۹ درصدی پرونده های قضایی مسن در البرز

رئیس کل دادگستری البرز با اشاره به رسیدگی به پرونده های مسن و معوق در این استان عنوان کرد که در این زمینه فعالیت های خوبی صورت گرفته و سال گذشته موفق به کاهش ۴۹ درصدی این پرونده ها در استان شدیم.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از روابط عمومی دادگستری البرز، حسین فاضلی هریکندی روز گذشته در نشست شورای مدیران دادگستری استان البرز افزود: شیوع کرونا منجر به اختلال در اجرای برنامه‌های مدون شد که امیدواریم بتوانیم در ۶ ماهه نخست اسماال به اهداف مدنظر برسیم.

وی اضافه کرد: توزیع متوازن خدمات قضایی و تکریم مراجعان در کلیه نقاط کرج یکی دیگر از برنامه‌های مورد پیگیری بوده که بدین منظور با ایجاد مجتمع‌های ماهدشت، محمدشهر و کمالشهر مناطق جنوب اتوبان تهران- کرج و شرق کرج تحت پوشش قضایی قرار خواهند گرفت.

فاضلی هریکندی تشکیل شورای تحول قضایی البرز را یکی از ویژگی‌های مختص دادگستری استان دانست و گفت: برای اولین بار بین دادگستری‌های کشور بعد از ابلاغ طرح تحول قضایی این شورا در البرز تشکیل و برنامه تحول قضایی با محوریت طرح تحول قضایی و نیازهای بومی استان تدوین و وارد فاز عملیاتی شد.

«دنیای هوادار» حواشی بی پایان «مهران مدیری» را بررسی می کند!

«زرد» می نویسم پس هستم!

چگونه با بهای بیش از حد به «فیک نیوز» و خالقانش ناخواسته به آن ها اعتبار می بخشیم؟



مهدی تیموری
سردبیر

«رسانه زرد» چیست؟ «زردنگارها» کیستند؟

همواره یافتن نخستین گزاره مناسب برای شروع یک گزارش را سخت ترین بخش آن می دانم؛ به ویژه که اگر «چک اول» هرچه رساتر و محکم تر نواخته شود، حس کنجکاوی مخاطب بیش از پیش تحریک شده و تا انتهای مطلب را دنبال خواهد کرد. البته موضوع این گزارش و اساسا «چه» نقش ویژه و کشفی تازه در آن ندارد، بلکه این «چگونه» است که متفاوت تر از همیشه در این گزارش به آن پرداخته شده که نگارنده معتقد است همه «ما» مدت زیادی است که از آن غافلیم؛ همانگونه که از چیزهای مهم دیگری هم غافل بوده و خود را آزادانه و با ذهنی منجمد شده در اختیار حملات وقیحانه آن ها به سمت مغزمان قرار داده ایم؛ مسئله مهمی چون «خبرنگاری» و انواع آن که بیشتر از هر چیز دیگری نوع زپریتی و زنده آن یعنی «زرد» اش در شرایط امروز و رقت بار رسانه ای کشورمان به وفور یافت می شود. رسانه رسمی و غیر رسمی ندارد (که نگارنده معتقد است اگر قرار است تفاوت میان رسمی و غیررسمی صرفا با یک کارت خبرنگاری و یک سامانه مشخص شود همان به که چنین تمایزی اصلا وجود نداشته باشد!) چه رسانه های مکتوب (روزنامه ها و...) که با توسل به همین روش های نخ نما به وضعیت امروز دچار شده اند (تیراژ اندک، فروش بسیار پایین و مرجوعی درصد بسیاری از شماره های توزیع شده و...)، چه رسانه های غیرمکتوب که هرکه از گرد راه رسیده و از خانه پدری اش قهر کرده، کانال یا صفحه ای تاسیس کرده و با یک خود «جولین آسانز» پنداری محض (که حال دیگر بسیار کلیشه ای و مشمنز کننده شده) وارد این گود می شود تا مثلا پته همه را روی آب بریزد. حتما شما هم تاکنون عناوینی چون «فوری»، «شوکه کننده»، «حیرت آور»، «غیرقابل باور» و... در بخش اصلی تیتروهایشان دیده اید؛ بله! این ها همان یک یا دو دهه اخیر فضای رسانه ای کشور به شمار می آیند. جابرای نوشتن از این پدیده و انواع مثال هایش بسیار است اما به عنوان نمونه «مهران مدیری» را به عنوان یکی از هنرمندانی که همواره حرف و حدیث های بسیاری (چه مثبت و چه منفی) پیرامون او وجود دارد انتخاب کرده ایم تا هم به «فیک نیوز»ها و حاشیه های زرد و پر سر و صدایی که به ویژه این اواخر در خصوص او منتشر شده را بررسی کنیم. هم مقداری خودش را به چالش بکشیم تا جانب انصاف و دوری از سوگیری را رعایت کرده باشیم (هرچند که در نهایت عده ای نگارنده را متهم به حمایت از هنرمند خاص خواهند کرد اما مهم نیست) و شاید عده ای از مخاطبان و همکاران رسانه ای مان بگویند که «چرا خودزنی می کنی؟ مگر خودت هم خبرنگار نیستی؟» اما من نامش را خودزنی یا... نمی گذارم. «حقیقت» چیزی است حداقل در نزد من نگارنده «خودی»، «نخودی» و «بیخودی» نمی شناسد.

«مهران مدیری»: همواره «متهم» اما محبوب!

«مهران مدیری» که بی شک حتی جدی ترین منتقدان وی جایگاه او را به عنوان یکی از ارکان اصلی آثار کمدی

و سردمداران صنعت سرگرمی سازی در سه دهه اخیر می دانند، در طول فعالیتش همواره آماج حملات بسیاری از اصحاب رسانه قرار گرفته است. چه از زمان «ساعت خوش» که عده ای (در راس آن ها روزنامه «کیهان») وی و تیم جوان و خلاقش را مخالف سیاست های صدا و سیما، «هنجارشکن» و متضاد با عرف جامعه می دانستند و خواهان پایان برنامه اش شدند (که در نهایت به ممنوع فعالیت شدن خود مدیری و بسیاری از هنرمندان گروه ساعت خوش منجر شد!) چه بعدتر در آثار درخشان تلویزیونی اش همچون «پاورچین»، «شب های برره»، «مرد هزار چهره» و چه حتی پس از کوچ اجباری اش از تلویزیون به شبکه خانگی که از این گزندها در آثار قابل تامل و درخشانش در این مدیوم یعنی «قهوه تلخ»، «شوخی کردم» و «هیولا» هم در امان نماند و حال چند سالی است که با «دوره می» بیش از همیشه از زمین و زمان به اون تاخته می شود. (پیش از هر چیزی باید بگویم که «دوره می» برنامه مورد علاقه نگارنده نیست و نقدهای بسیاری به لحاظ فرمی و محتوایی به آن دارم)

و اما از «کجا» شروع شد؟ پرسش مهمی است اما به طور دقیق نمی توان نقطه آغازین مشخصی بر حملات دسته جمعی و برنامه ریزی شده به مهران مدیری را مشخص کرد؛ از شوخی با «تحصن نمایندگان مجلس ششم» در نقطه چین (که عده ای از اصلاح طلبان افراطی تا مدتی از وی تصویری هنرمند وابسته به اصولگرایان در ذهن عامه مردم ساخته بودند) یا نیش و کنایات مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و اجتماعی و بعضا آداب و رسوم های عجیب فرهنگی مان در «شب های برره» و «قهوه تلخ» (که عده ای از آن به عنوان توهین به مردم یاد می کنند!) یا به سخره گرفتن بخشی از جامعه انتلکت های بی مصرف در میان قشر هنرمندان در «مرد هزار چهره» (که این یکی را بعضا تخریب روشنفکران جامعه دانسته اند!) یا جنجال بر سر گذاشتن نام «کوروش» بر روی یک سگ در یکی از قسمت های سریال آیتمی «عطسه» (این یکی باعث شد تا مزدور ضد وطن هم لقب بگیرد!) یا رادیکال ترین و جدی ترین سریالش «هیولا» (در اینجا باعث شد تا بسیاری از معتقدان به تئوری توطئه او را نفوذی یا خودفروخته ای خطاب کنند که با «عادی سازی» سعی در به فراموشی سپردن مشکلات در ذهن مردم دارد!) یا حتی انتقادات مستقیم ترش در دوره می؟ (که البته از حق نگذریم گاه خود این انتقادات در دوره می بسیار سطحی و زرد می شوند) و اما مهران مدیری در این سال ها بیش از همیشه ثابت کرده که هرگز متعلق به هیچ جناح خاصی نبوده؛ از او معهود هنرمندانی است که در این سطح از شهرت و محبوبیت بوده و هیچگاه اسیر بازی و شعارهای هیچ یک از کاندیداهای انتخاباتی قرار نگرفته. به همین خاطر اگر انتقادی هم بکنند می توانیم با اطمینان بیشتری به او استقلال سیاسی و فکری ببخشیم. هرچند که در خصوص مدیری و اتهاماتی که همواره به او وارد شده، می شود و خواهد شد مسئله بسیار گسترده تر از این حرف هاست که صرفا به اعتراضات یک قشر خاص مثلا «پزشکان»

به «در حاشیه» و یا کارمندان اداره ثبت احوال به «مرد هزار چهره» و... محدود شود. واپسین مرتبه ای که مدتی در تلویزیون خبری از مدیری و برنامه هایش نبود را به یاد دارید؟ به محض اینکه برگشت، بسیاری از رسانه هایی که جهت گیری سیاسی شان همسو با دولت است هم بیکار نبوده و سریعاً کارشان آغاز شد! از انتشار اخباری در خصوص دستمزد بالای وی بابت هر قسمت از این برنامه (خبر کذب و عجیب ۳۵۰ میلیون برای هر قسمت + بخشی از درآمد کسب شده از سوی تبلیغات / روزنامه «فرهیختگان») تا انتشار عکس های خصوصی وی در پاریس که مربوط به دو سال قبل بوده! (آن هم با تیتیر زرد و خزعلی چون: مهران مدیری همراه با دوست دخترش در پاریس!) در صورتی که هیچگونه اثری از زبان بدن، نشانه و حتی میمیک که آن تصاویر منتشرشده را غیرقابل بخشش یا زنده کند وجود ندارد؛ پس یقین داشته باشید که این تیم رسانه ای اگر بیش از این ها مدرک و سندی داشتند تا به قدری محکم باشد که مهران مدیری را برای همیشه از صحنه محو کرده و یا او را بی آبرو سازد، زودتر از این ها رو می کردند. اما نکته جالب و البته عجیب ماجرا اینجاست؛ اینکه پدیده «مدیریتی» همواره در صدر است. او همیشه بیشترین انتقادات را می شنود، در عین حال بیشترین تحسین ها هم حواله اش می شود! همواره در عین تحریک و حملات گسترده و القابی چون «مزدور»، توسط عده کثیری دیگر به عنوان «هنرمند جسور» شناخته می شود! هرچه که هست نمی توان این واقعیت را کتمان کرد حتی با وجود کاهش ضریب نفوذش در اعتماد و محبوبیت عمومی، او همچنان در صدر محبوب ترین و مردمی ترین هنرمندان فعلی کشور شناخته می شود که «مقبولیتی واقعی» نزد عموم مردم ایران دارد.

چگونه با بهای بیش از حد به «فیک نیوز» و خالقانش ناخواسته به آن ها اعتبار می بخشیم؟

و اما کمی بیشتر بپردازیم به «فیک نیوز»ها که اساس فرم و محتوای این گزارش را تشکیل داده اند! آن ها کیستند؟ در هنگام تکمیل این گزارش عده ای از همکاران خواستند تا به صورت مستقیم نامی نبرم اما چه باک! وقتی همه چیز به صورت شفاف و مستند وجود دارد، چرا باید خود را در مقام پرسشگر مورد تمیزی قرار دهیم؟ سایت «کافه سینما» که به عنوان یکی از پایگاه های خبری پر سر و صدا که همواره مورد انتقاد بخش مهمی از فعالان جدی اصحاب رسانه در سینما قرار گرفته اند و عده ای آن ها را «پاپاراتزی» می دانند، در این مدت به یکی از اصلی ترین منتقدان مدیری در مدیوم «رسانه های مجازی» تبدیل شده است و کافی است کلیدواژه «مدیریتی» را در این سایت جستجو کنید تا نتایجش را ببینید! ذکر این نکته در خصوص کافه سینما کافی است که صفحه این پایگاه خبری در «اینستاگرام» پانزده هزار عضو فیک (ساختگی) دارد و این موضوع با رصد کردن میانگین آمار لایک و کامنت هایی که دریافت می کنند به خوبی روشن است؛ قضاوت با خودتان. آیا رسانه ای که از پایه

و اساس بر اثر دروغ شکل گرفته و با هدف «نمایش» و «کلاهبرداری از مخاطب» یا به عرصه ای می گذارد قابل اعتماد است؟ واقعا عجیب نیست که «شهیار قنبری» (ترانه سرا) از «بنیامین بهادری» به دلیل دستکاری ترانه اش انتقاد می کند، این سایت بخش اصلی تیتیرش را در پوشش این انتقاد به «مدیریتی» اختصاص می دهد؟! (یعنی یک نفر در یک جای دیگری به یک نفر دیگری انتقاد کرده اما زردنگارها این را هم بیش از همیشه به مدیری مرتبط می کنند!) اینکه «چه» رخ داده تا این رسانه که روزگاری فیلم سینمایی «ساعت پنج عصر» و سریال «قهوه تلخ» را مورد ستایش قرار می داد اما این روزها از هر دستاویز مرتبط و بسیاری اوقات واقعا بی ربط برای تکه پراکنی به مدیری استفاده می کند بحث ما نیست. بحث بر سر این است که «چگونه» می شود که یک رسانه ای که شعار اصلی اش «امانت داری از نظرات مخاطبان و خوانندگانش است» و همواره خود را «رسانه مستقل» معرفی کرده، اجازه انتشار نظرات مخالفش را نمی دهد و بعضا بسیاری از نظرات معتدل یکی به نعل و یکی به میخ را هم با سانسور فراوان چاپ می کند و جالب آنکه همواره هم از سیاست های «وزارت ارشاد» و «صدا و سیما» در قبال سانسور خرد می گیرد! خب لاقال یک سوزن به خودت بزن یک جوالدوز هم به دیگران! چون اینگونه یک بام و دو هواها در این برهه که دسترسی ها بسیار راحت تر شده، پاسخ لازم را نمی دهد و به قول خودتان «دوران تازه» (!) پرده ها کنار رفته و ماهیت واقعی زردتان را رو می کند. البته شکی وجود ندارد که رسانه های زرد و انتقادات پذیر در همه جای دنیا وجود دارند اما وظیفه و نقش «مخاطب» در قبال آن ها چیست؟ خصوصا در مقابل آن دسته از رسانه هایی که خود را جستجوگر حقیقت می دانند اما در عمل چیز دیگری نشان می دهند؛ اینکه دست روی دست بگذارند و همچنان به بازبیدشان از این سایت ها، نشریات و اخبار جعلی ادامه دهند؛ یا با تحریم کلیکی و ذک که ای آن ها به تدریج آن ها را محو کرده تا باعث شوند تا به خود آمده و از این زردنگاری محض فاصله بگیرند؟ مقصود نگارنده در این گزارش ابتدا موجه سازی تمام ابعاد و سطوح شخصیتی مدیری و یا دفاع بی چون و چرا و چشم بسته از وی نیست؛ چرا که انتقاداتی هم به او داریم و حداقل خبرنگاران و منتقدانی که نگارنده را می شناسند، می دانند و به یاد دارند که نقدهای منفی بسیاری را بعضا به آثاری چون «نقطه چین»، «جایزه بزرگ»، «در حاشیه»، «ویلا من» هم وارد کرده ام و در خصوص «دوره می» هم بارها و بارها از شخص مدیری پرسیده ام که تکلیف «موزه دوره می» چه شد؟ مگر قرار نبود حراجی اش برگزار شود و پول هایش صرف ساخت و ساز و رسیدگی به رزله زدگان «کرمانشاه» شود؟ اما از آن جایی که همواره معتقدم که نباید با موضع «صفر و صدی» به هیچ پدیده و اتفاقی نگاه کرد، نمی توانم چشمم را به روی دیگر حقایق هم ببندم.

چگونه می شود «موسیقی کلاسیک» را حفظ شد یا بالاخره «باخ» چند اثر دارد؟! یکی دیگر از جنجال هایی که اخیرا باعث شد تا بسیاری مجدداً به «مهران مدیری» بتازند، پخش گسترده ای از تکه های تقطیع شده (دقیقا تاکتیک نخ نمای رسانه های زرد) برنامه «کتاب باز» (با اجرای سروش صحت) بود که در آن مدیری تأکید دارد که «موسیقی کلاسیک» را حفظ است و عده ای پرسیدند که چگونه می شود وقتی موسیقی ای که کلام ندارد را حفظ شد؟! اگر کسی آن گفتگو را

ما در فضای مجازی به عمل ورده و مدرک آن در همین گزارش منتشر شده، بسیاری از کارشناسانی که اساساً کار آن ها شناسایی آثار «یوهان سباستین باخ» (باخ شناسی) است پیش از این ها به این موضوع پی برده اند که «مجموع آثار احتمالی باخ بیش از ۱۱ هزار بوده» و خیلی از آن ها سوخته یا از بین رفته اند؛ به همین راحتی. حالا اینکه دیگر با رونمایی از حقیقت چه کسی «سکه یک پول» می شود و چه کسی «کارگر حقیقت» را قطعاً «مخاطبان» بهتر قضاوت خواهند کرد...

تقطیع شده «دورهمی» با حضور «امید حاجیلی» با سرتیتر «وقتی یک امید حاجیلی پیدا می شود تا بی سواد می مثل مدیری را سکه یک پول کند!» به این حواشی دامن زدند و کافه سینما هم با خوش خیالی اش از «مچ گیری امید حاجیلی از مدیری» خبر داد که در محتوای این گفتگو تنها پرسشی ساده است که «حاجیلی» مطرح می کند: مبنی بر اینکه: «شما از کجا می دانید آن تعداد آثار وجود داشته و در حال حاضر از بین رفته وقتی خودتان نشنیدید؟» نکته عجیبی نیست. طبق راستی آزمایی و جستجویی که تیم

به طور کامل دیده باشد یقیناً متوجه منظور مدیری از «حفظ موسیقی کلاسیک» را می فهمد و نکته ای که در آن برنامه مطرح شده چیز عجیب و غریبی نیست. یا در جایی دیگر که گفته بود: «باخ بیش از پنج هزار اثر دارد که نزدیک به دو هزارتای آن باقی مانده و بسیاری از آن ها با گذشت زمان از بین رفته»؛ عده ای دیگر از دوستان رسانه چی در فضای مجازی (به ویژه «مهدی خرم دل / دبیر سرویس فرهنگی و هنری تابناک» در توئیتر و «پژمان موسوی» در اینستاگرام) با انتشار بخشی از کلیپ

و اما از «کجا» شروع شد؟ پرسش مهمی است اما به طور دقیق نمی توان نقطه آغازین مشخصی بر حملات دسته جمعی و برنامه ریزی شده به مهران مدیری را مشخص کرد؛ از شوخی با «تحصن نمایندگان مجلس ششم» در نقطه چین (که عده ای از اصلاح طلبان افراطی تا مدتی از وی تصویری هنرمند وابسته به اصولگرایان در ذهن عامه مردم ساخته بودند) یا نیش و کنایات مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و اجتماعی و بعضاً آداب و رسوم های عجیب فرهنگی مان در «شب های برره» و «قهوه تلخ»

There are precisely 1,128 pieces of music preserved today. However, that number is not quiet true as an answer to the question you asked. Because there is the original BWV, the original "Bach Werke Verzeichnis", the Bach Works Catalog. Plus there are additional updates, additions when few pieces are found and considered Bach works. And, there are some pieces they just thought Bach had composed them and they had to be removed from that catalog later. But, may be it's not that much of importance, if you remember the number of 1,111 works. By the rule of the thumb. If you keep that number in mind, remember my poor memory hook, which we Germans call donkey bridge, then you get easily to the correct number, which is 1,128, just 17, that is a miss of one percent. Bach, by all means is a little bit more complicated as other composers. Even in a relatively easy discipline like headcount of his works. Typically Bach - and that is what this webiste is about too.

On the other side: the most famous Bach expert, Bach Author and Harvard Professor and Professor at the University of Leipzig, Germany has the opinion, that Bach actually composed, many, many more works. He assumes, that today only mere ten percent of Bach's original work is preserved. If that is really the case, it won't get more complicated for you. Just bear one more number in mind: because if this assumption is true, Bach would have created some 11,111 pieces and that would relatively sure be - one more record for Johann Sebastian Bach in this discipline as well.

یک: لطفاً ابتدا شما هم منابع این تحقیق را به قول خودتان «راستی آزمایی» آن را منتشر کنید. روزی هوا سخن گفتن را که همه بلند انتظار و توقع از رسانه ای که خود را مستقل می داند بیشتر است. علت کامنت اینجانب در اینجا هم این است که شما اساساً کامنت های مخالف در سایتتان را منتشر نمی کنید. (امیدوارم لااقل اینجا پاک نکردید و پاسخی داشته باشید) دو: متوجه که مدیری ورد زبان کافه سینما شده و گویند وی از آن شب واجب ترا شامی که در برهه های مختلف از ساعت پنج عصر و قهوه تلخ تمجیدهای بسیار کردید (که حال همان هارا هم منکر می خودید) چه شده که این چنین و الهام چرخندها را تقصیر موضع دادید؟ آن هم با استفاده از تاکتیک های نخ نمای چون بزرگنمایی یک کلمه در یک متن بلند و یا کلیپ های تقطیع شده که به واقع معنای ابتدال را تدلیس می کند. سه: شما که مدعی استقلال و خواهان بازار آزاد و آزادی بیان و... هستید، چرا کامنت های مخالفان را سانسور و یا اصلاً منتشر نمی کنید؟ چهار: از شما خواستار یک توضیح در خصوص تعداد فالوئر فیک بیچ اینستاگرامان هستم. بیش از پانزده هزار فالوئر آنوقت میانگین لایک چهل و کامنت هم به زحمت پنج تا ۱۰ مگر می شود؟ شما که عمیق «شفافیت» و «دوران تازه» هستید از خودنات شروع کنید. پنج: ماجرای گوته قدیمی از بهروز افخمی به کجا رسید؟ از هلت تا... ناگهان چه شد که امیر قانبریان با ایشان همسو شده و در برنامه تلویزیونی اش حاضر شد؟ البته کامنت عجیب خدمت است اما خجالت کش: چه خبر!

قسمتی از مقاله ای در سایت «راهنمای باخ» که در آن به وضوح اشاره شده که امروزه ۱۱۲۶ اثر از باخ وجود دارد و احتمالاً چیزی بیش از ۱۱ هزار اثر از وی در گذر زمان از بین رفته است!

کامنت انتقادی یک کاربر زیر پست صفحه رسمی «کافه سینما» که با واکنش تند گردانندگان این صفحه و بلاک وی از آن صفحه مواجه شد



scrupulously accumulates the details of daily life. And however astonishing is what remains of Bach's production (at one point Wolff says it "borders on the incredible"), Wolff also shows just how much greater it must have been. By examining Bach's allocations of music paper at the court in Köthen, Wolff guesses that only 15 to 20 percent of Bach's music from that period survived; from his Weimar years, more than 200 compositions are probably lost. And at Leipzig two-fifths of the cantatas were never found. The chaotic dispersion of Bach's estate ranks as one of the great artistic losses of modern times.

بلاک شدن منتقدان و عدم انتشار نظرات مخالف در صفحه رسمی این پایگاه خبری

قسمتی از مقاله «فیوچر تایمز» در مورد کتاب «کریستف ولف» (استاد دانشگاه هاروارد و باخ شناس معروف) که صراحتاً اشاره کرده نزدیک به ۸۰ درصد آثار باخ از دوره اقامت وی در «کوتن» ناپدید شده و بیش از ۲۰ اثر از دوره «وایمار» و دو پنجم آثار دوره «لایپزیگ»



آسیب شناسی «خبرنگاری زرد» و «فیک نیوز»



از تهاجم فرهنگی تا نفوذ؛ فیک نیوز حاصل «خبرنگاری زرد»؟!



دکتر مجید سعیدی
استاد دانشگاه و روزنامه نگار

یادتان هست چه زمانی صحبت از «تهاجم فرهنگی» شد؟ به خاطر می‌آورید تهاجم فرهنگی از کجا آغاز شد و چه ابعادی داشت؟

در برابر چنین تهاجمی که قابل پیش بینی بود دستگاه‌های مسئول کدام حالت تدافعی یا عملیاتی در مقابل تک‌دشمن‌ها داشتند؟ آرایش فرهنگی ما در مقابل این تهاجم چه بود؟ وقتی نفوذ کامل در بستر این تهاجم قابل پیش بینی بود، رشد قارچ گونه «فیک نیوز» (اخبار جعلی) برای هنجارشکنی نیز امری بدیهی به نظر می‌رسید. برهم خوردن ساختار طبقاتی در درون هر جامعه‌ای می‌رهن است که بستر پذیرش هر خبر و شایعه‌ای را فراهم می‌سازد. به خصوص که در فضای پر فراز و نشیب مجازی که مهم‌ترین ابزار برای تقویت اخبار غیررسمی است، طبیعی است کمتر کسی دنبال منابع و مآخذ خواهد بود. دنیای خبرنگاری و اخلاق حرفه‌ای هم طبیعی است در این تلاطم با تهدید جدی رو به رو می‌شود که بالغ بر یک دهه است با این بی‌اخلاقی مواجهه شده است. تولد «خبرنگاری زرد» در حوزه رسانه را می‌توان دستاورد همین تهاجم یا به عبارتی نفوذ برشمرد. عدم توجه یا به عبارتی فقدان مکانیزم جذب در حوزه رسانه به ویژه رسانه‌های غیر دولتی و خصوصی و نبود نظام‌های کنترلی لازم، عملاً موجب نوعی ناهنجاری از نوع ساختارشکنانه در فضای رسانه و فرهنگی کشور را موجب شده که امروز شاهدیم حتی اخبار غیر واقعی و دروغین از سوی شبکه‌های رسمی داخلی کشور نیز اعلام یا انتشار می‌یابد و بدتر اینکه افکار جامعه نیز از چنین اخباری استقبال می‌کند! اخبار سراسر کذب که ماهیت آن نیز روشن نیست! چون با خواست یا نیاز افکار عمومی همسویی دارد، طبیعی است بدون کمترین مقاومتی مورد قبول قرار می‌گیرد (که البته در بخش افکار عمومی منابع مسائل و پیچیدگی جامعه بحث‌های جدی‌تر مطرح است که از آن گذر می‌کنم) تردید نیست در حوزه خبرنگاری زرد و البته فیک نیوز نیاز به کنترل، آسیب شناسی و البته پایش است. هم پایش و هم آگاه‌سازی از پذیرش خبر و تمیز خبر از شایعه، منکر آن نیستیم که وقتی جامعه آمادگی پذیرش هر شایعه‌ای را دارد، به استقبال و پذیرش آن تمایل نشان می‌دهد، اما اینکه بعضی‌ها با استفاده از فضای موجود اخلاق حرفه‌ای را زیر پا بگذارند (۱) مشخصاً پذیرش این موضوع قابل قبول نیست. تافضای فرهنگی کشور مغلوب نشده باید کاری کرد...

افزایش بی‌اعتمادی و رویگردانی مخاطبان با شیوع «بنگاه‌های خبرپراکنی»



دکتر مهرداد فرشیدی
استاد دانشگاه و روزنامه نگار

استاد دانشگاه و روزنامه نگار: با گسترش سیستم‌های نرم افزاری و توسعه سیستم‌های عامل تلفن همراه شاهد تغییر و تحول عمده در شبکه‌های مختلف خبری و اطلاع‌رسانی هستیم که به نوعی تداعی‌کننده «نشریات زرد» یا همان «پوپولیستی» موجود در عرصه رسانه‌ها از دیرباز می‌باشند. در واقع هم اینک هر دستگاه تلفن همراه نقش یک رسانه را بازی می‌کند که به تنهایی و مستقل از هر نوع سخت‌افزار رسانه‌ای و نیروی انسانی می‌تواند به عنوان یک بنگاه خبرپراکنی با جمع‌آوری خبرهای ضد و نقیض و یا تایید نشده، آن را در دسترس مشترکان و یا اعضای کانال قرار دهد که این سبک نوظهور رسانه‌ای باعث افزایش بی‌اعتمادی و رویگردانی مخاطبان از اخبار ریز و درشتی شده که همه روزه و همه ساعت از این طریق به آن‌ها منتقل می‌شود! البته اینگونه شبکه‌های رسانه‌ای نوظهور ویژگی‌های مثبت هم به همراه دارند و آن نگاه باز مخاطبان به آنچه است که به عنوان «خبر» در اختیار آن‌ها قرار داده می‌شود و چون با استفاده از کانال‌های خبری متعددی که در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد قدرت بررسی و ارزش‌آخبار منتشر شده را پیدا کرده و نسبت به ارزشیابی و صحت و سقم اخبار اقدام می‌کنند. در این میان کار برای شبکه‌های مجازی خبری و رسانه‌های قدیمی و ریشه‌دار هم مشکل شده است؛ چون دیگر نمی‌توانند در نحوه انتشار اخبار یکجانبه‌نگری کرده و در جهت اهداف و سیاست خبری و یا گروه و حزب منتسب به آن قدم بردارند چون مخاطبان از کانال‌ها و راه‌های مختلف برای ارزیابی اخبار منتشره برخوردار شده‌اند. نظیر صدا و سیما ملی (۲) که اخبار منتشره از سوی مخاطبان مورد ارزیابی و کنترل خبری در مقایسه با خبرهای ارائه شده از سوی شبکه‌های ریز و درشت در فضای مجازی قرار می‌گیرد و در صورت هرگونه کم‌کاری و یا درج اخبار غیر واقعی یا مغرضانه، مخاطبان خود را از دست می‌دهند.

به رسانه‌های این روزها حرجی نیست؛ شنونده باید عاقل باشد!



توحید انشانی
نویسنده و روزنامه نگار

مخاطب که باشد قدرت می‌آورد و قدرت پول را به همراه دارد، چون آنچه را که بخواهی منتقل می‌کنی! پس این دغدغه همواره رسانه‌هاست «جلب مخاطب». فرق نمی‌کند چه رسانه‌ای باشی، چه رسانه‌ای نوع یک (یعنی آن‌ها که در دهه‌های گذشته افکار عمومی را در دست داشتند مثل روزنامه‌ها و مجلات و همان چند کانال صدا و سیما)، چه رسانه‌های نوع دوم که با توسعه اینترنت در کشور در دهه ۸۰ روی کار آمدند (مثل خبرگزاری‌ها و سایت‌ها) و چه رسانه‌های نوع سوم که این روزها عرصه را به دست گرفته (یعنی فضای مجازی و پیام‌رسان‌ها که غرب و شرق ساخته و ما مصرف‌کننده خوبی هستیم یا نه معلوم نیست)

اما نکته چالش برانگیز جلب مخاطب که این روزها با فراگیر شدن رسانه‌های نوع سوم تشدید شده، زرد نویسی است. ناهنجاری که سبب آن از دیرباز وجود داشته اما این روزها به اوج رسیده. اینکه چرا برخی رسانه‌ها دست به این کار تقبیح و نهی شده می‌زنند دلایل بسیاری دارد اما دلیل اصلی را می‌توان در همان مخاطب دید و مقصر اول را همان مخاطب دانست. جذب مخاطب به هر روشی، سیاست کاری خیلی‌ها شده چون قدرت می‌خواهند و حرجی به این سیاست نیست آن‌هم در این بازار سیاه و کثیف جذب مخاطب!

نگارنده از آنجا مخاطب را مقصر اصلی این روزگار زرد نویسی و حاشیه‌پردازی می‌داند که میل خود را اینگونه پرورش داده و استقبال بیشتری از این دست تراوش‌های رسانه‌ای دارد حتی با وجود اینکه بهتر از هرکسی می‌داند این خبر پوپولیستی ممکن است دروغ، بزرگنمایی و حتی حاصل تراوش ذهنی پر از تشویش و توهم باشد. اما باز هم می‌بیند، لایک می‌کند و حتی بازنشرش، خود به رسانه‌ای زرد برای مخاطبان صفحه شخصی‌اش می‌شود. نگارنده چرایی آن را به مشاوران و محققان و جامعه‌شناسان و روانشناسان می‌سپارد و برای جمع‌بندی این چند سطر که به دغدغه یکی از همکاران ژورنالیست خود به نگارش در آورده است، با ذکر این نکته گرافه‌گویی خود را به پایان می‌رساند: به رسانه‌های این روزها حرجی نیست؛ شنونده باید عاقل باشد!

مدیریت شهری

کرج آنلاین می شود



با همکاری شهرداری کرج و شرکت پینکت امکان خرید آنلاین از بازار روزهای کرج فراهم شد. به گزارش «دنیای هوادار»، علی اصغر همتی گفت: با تلاش معاونت خدمات شهری و همکاری شرکت

پینکت امکان خرید آنلاین از بازار روز شاهین ویلا برای مناطق گوهردشت، باغستان، سهره گوهردشت، دهقان ویلا، و کرج نو و کوی کارمندان فراهم شد. او گفت: همچنین از ۲۳ فروردین امکان خرید آنلاین از بازار روز میخک برای مناطق عظیمیه، جهان شهر، محله اصفهانی ها، هفت تیر و مصباح ایجاد شد و از روز سه شنبه ۲۶ فروردین با سرویس دهی مهرشهر و گلشهر از بازار روز کیانمهر امکان استفاده از این سرویس در اکثر مناطق کرج فراهم می شود.

همتی افزود: به منظور رفاه حال شهروندان و مقابله موثر با شیوع ویروس کرونا اکثر مناطق شهر کرج تحت پوشش خرید آنلاین از فروشگاه های شهروند و هایپرمی قرار گرفته اند و به زودی فروشگاه های زنجیره ای دیگری نیز به این شیوه در دسترس شهروندان قرار خواهد گرفت.

ممنوعیت سوار کردن چهار مسافر در تاکسی های کرج



ناظران ناوگان تاکسیرانی وضعیت مسافران خطوط مختلف تاکسی را بررسی کردند و با توجه به افزایش میزان قابل توجه مسافران، طرح ممنوعیت سوار کردن چهار مسافر در تاکسی های کرج در کرج نیز اجرایی شد. به گزارش «دنیای هوادار»، مجید استاد کاظمی گفت: با توجه به شیوع کرونا و لزوم اجرای طرح فاصله گذاری اجتماعی، شاهد اجرای مصوبه ممنوعیت سوار کردن سه مسافر در صندلی عقب تاکسی ها در شهر تهران هستیم.

وی ادامه داد: طبق این مصوبه رانندگان تاکسی باید حداکثر دو مسافر در قسمت عقب تاکسی سوار کنند تا به از این طریق احتمال شیوع کرونا در بین مسافران تاکسی کاهش یابد. این مسئول با اشاره به اینکه اجرای این طرح در کرج نیز

آغاز شده است، توضیح داد: با آغاز بخشی از فعالیت ها و حضور اغلب کارمندان در محل کار، شاهد افزایش نسبی مسافران در خطوط مختلف بین شهری کرج بوده ایم. استاد کاظمی تصریح کرد: ناظران ناوگان تاکسیرانی وضعیت مسافران خطوط مختلف تاکسی را بررسی کردند و با توجه به افزایش میزان قابل توجه مسافران، این طرح در کرج نیز اجرایی شد.

رئیس سازمان مدیریت حمل و نقل بار و مسافر شهرداری کرج گفت: با توجه به کاهش محسوس مسافران تاکسی از روزهای اول امسال، این طرح به طور ناخواسته در کرج اجرایی می شده و اغلب تاکسی ها با کمتر از ظرفیت چهار نفره خود مسافران را جابه جا می کردند.

چند درصد انتقال کرونا در وسایل نقلیه عمومی صورت می گیرد؟

داریم که بعد از بازگشایی ها چه تاثیری در بیماری کرونا مشاهده می شود. معاون کل وزارت بهداشت افزود: از جمله معیارهای بازگشایی میزان توانایی حمل و نقل عمومی برای نقل و انتقال مردم به خصوص در ساعات اوج ترافیک است.

او گفت: اگر مدارس و سایر مغازه ها باز شود، باید وضعیت را بررسی کنیم. روز شنبه فقط ادارات دولتی با دو سوم ظرفیت و مغازه های ضروری باز بودند. اگر هفته آینده مغازه های کم ریسک باز شوند حتما موجب نگرانی است. یکی از عوامل بازگشایی فقط خطر شغل نیست. میزان ریسک حمل و نقل عمومی هم باید در نظر گرفته شود. بازگشایی مشاغل مختلف باید بررسی شود که چقدر خطر دارد و دوم بار حمل و نقل عمومی باید محاسبه شود که بر اساس آن اقدام می شود.

معاون کل وزارت بهداشت گفت: ۲۶.۵ درصد انتقال ویروس کرونا در وسایل حمل و نقل عمومی است و میزان انتقال از طرق دیگر کمتر است. به گزارش دنیای هوادار به نقل از ایرنا، ایرج حریچی در نشست خبری که به صورت ویدئو کنفرانس از وزارت بهداشت برگزار شد، افزود: حمل و نقل عمومی عامل ۲۶.۵ درصد تماس های منجر به بیماری کرونا در ایران بوده است. عوامل دیگری از ۲ تا ۵ درصد و حتی کمتر از یک درصد داشته ایم. مدارس ۱۱.۵ درصد و دانشگاه ها ۷ درصد موجب آلودگی بوده اند.

او افزود: شهرداری تهران همکاری خوبی داشته است؛ از نظر تئوری طراحی هایی شده است مثل فاصله گذاری در مترو، اتوبوس و تاکسی ها که تدابیر خوبی است. البته باید ارزیابی کنیم که این تدابیر عملیاتی هست یا خیر. این را هم توجه

منهای فوتبال

فعالیت های کشتی تعطیل اما باب برنامه ریزی باز است

اتحادیه جهانی کشتی به فدراسیون های ملی کشورهای عضو اطلاع داده فعالیت های خود را تا تیرماه متوقف کنند.

این تاکید به خاطر وضعیت جهان و ممانعت ورزشکاران از گرفتار شدن در بند ویروس مخرب «کرونا» اتخاذ شده است. این دستور العمل برگزاری اردوها، تمرینات و مسابقات را در بر می گیرد و باب دیگر فعالیت ها همچنان باز است.



محمد رضا کاظمی

فعالیت های فراوانی که خمیرمایه و بستر برگزاری مسابقات و اردوها است. به عبارت دیگر تعطیلی ورزش از جمله کشتی این فرصت را برای دست اندرکاران فدراسیون ها فراهم می کند تا با تمرکز بیشتر در اندیشه برنامه ریزی برای آینده بهتر باشند. به عبارت دیگر، در این گیر و دار و اوضاع قمر در عقرب نباید فعالیت های نرم افزاری و تولید فکر و اندیشه در فدراسیون ها از جمله کشتی تعطیل شود. همانطور که صدور احکام و نصب افراد تعطیل بردار نیست. ایرادی ندارد آقایان پس از کناره گیری «حسن زنگر» از مسئولیت سخنگویی فدراسیون کشتی بلافاصله «محمد ابراهیم امامی» رئیس پیشین کمیته داوران را به عنوان سخنگوی فدراسیون معرفی کنند. چرا که امامی هم از جمله بچه محل هایی است که حضور وی می تواند جمع بر و بچه های شهری در فدراسیون را جمع تر کند. البته امامی از جمله چهره های کم حاشیه است که سال های متممادی در فدراسیون مسئولیت داشته و کم و بیش راه و رسم بقا و حفظ جایگاه در چنین مکانی را بلد است. صرف نظر از اینکه بزرگوار یاد شده تا کی و چگونه در مسئولیتی که بر عهده وی گذاشته شده انجام وظیفه کند، هدف یادآوری این نکته بود که اگرچه فعلا فعالیت های کشتی تعطیل و خبر خاصی در عرصه این ورزش جهت اعلام، وجود ندارد اما مسئولان لازم دیدند با وجود نبود خبر بلافاصله سخنگوی جدید فدراسیون را معرفی کنند. اما به عزیزان مسند نشین ورزش و فدراسیون ها خصوصا کشتی می توان یادآور شد در این برهوت خبری و تعطیلی کلیه ارکان ورزش، برنامه های راهبردی خود را مرور، بازبینی و یا ترسیم کنند. این مقدمه نیز به همین سبب ذکر شد تا گفته باشیم اگر ورزش و به تبع آن کشتی تعطیل است اما برنامه ریزی و آینده نگری تعطیل بردار نیست. اکنون فرصت مناسبی است تا رئیس فدراسیون به جای گریز زن به اتفاقات گذشته و برملا کردن ضعف و کاستی های پیشینیان، آستین همت بالا زده و برنامه ریزی کلان و گسترده ای را جهت پیشبرد اهداف ورزش اول ترسیم کند. در همین راستا می توان ابتدا به آمایش و بررسی موقعیت و جایگاه کشتی در مناطق مختلف و چگونگی فعالیت هیات ها پرداخت. می توان

برنامه های استعدادیابی و پرورش نخبه ها را مورد ارزیابی و نقاط ضعف و قوت آن را مورد توجه قرار داد. در نحوه آموزش و آماده سازی کشتی گیران سراسر کشور بازبینی کرد. نقشه راه جدیدی جهت کسب موفقیت در میادین بزرگ پیش رو از جمله المپیک ترسیم کرد. مقدمات اتاق فکری که قرار بود تشکیل و هنوز ایجاد نشده فراهم شود. پیشنهادات و برنامه های فراوان دیگری را می توان در دستور کار قرار داد تا در شرایطی که تمرینات و مسابقات به تعطیلی کشیده شده اندیشه و تفکر کارشناسان و اهالی فن به تراوش و برنامه ریزی ادامه دهد. اداره تک نفره یا چند نفره فدراسیون جوانگویی نیازهای فدراسیونی که نام ورزش اول بر آن نهاده شده جواب نیست. لازم است اعضای اتاق فکر و کادرفنی جهت کسب سهمیه های باقیمانده المپیک و چگونگی حضور در این میدان یاد شده طرح و برنامه ارائه کنند. اگر این فاکتورها را رعایت و پایبند برنامه آینده نگری بودیم می توان به آینده کشتی امید داشت در غیر این صورت گمان نمی رود مشکلات و کم و کاستی ها نسبت به گذشته کمتر شود. امروزه حرف اول را در رسیدن به نقطه دلخواه «منابع مالی» می زند. اگر بتوانیم فضای ایجاد کنیم تا ملی پوشان و کادرها فنی بدون دغدغه مالی و پشتیبانی، با علاقه و انگیزه برنامه های خود را پی گیری کنند، مسیر را درست رفته ایم در غیر این صورت راه رسیدن به پیروزی، پر پیچ و خم و دشوار خواهد بود.



آیا تعطیلی مسابقات و تمرینات کشتی بر آمادگی ورزشکاران اثرگذار خواهد بود؟



تعویق المپیک: از سود تا ضرر



باب برنامه ریزی برای فدراسیون کشتی باز است!



قلندر

نبی هم ارشد، هم مرشد!



«مهدی محمدنبی» با تصمیم هیات رئیسه فدراسیون فوتبال به عنوان دبیرکل فدراسیون فوتبال منصوب شد. مسئولیتی که قبلا نبی به درستی از عهده انجام آن برآمده بود و شاید امروز در شرایط کنونی فوتبال

تصمیم معقولی بود.

گرچه باور عمومی و البته استراتژی کشور در راستای چشم انداز و البته گام دوم توسعه و تحول کشور ایجاب می نماید از وجود نیروهای جوان در ارکان مختلف مدیریتی کشور بهره گرفت، لیکن اوضاع کنونی فوتبال کشور از یک سو و تسلط، آگاهی و دانش نبی برای سامان بخشی به اوضاع کنونی موضوعی است که می تواند بر تصمیم هیات رئیسه فدراسیون فوتبال صحت بخشد.

مهدی محمدنبی که او را از زمان آغازین فعالیت مهندس عابدینی در پرسپولیس می شناسم و از مسیر شغلی او در سطوح مدیریتی فوتبال آگاهی دارم، اینک در این حوزه نه تنها ارشد بلکه مرشد است که مفاهیم شایسته سالاری نیز صحت حضور او در سطح اول مدیریت فوتبال کشور را تایید می کند. کاری ندارد که برخی او را بر نمی تابند و مخالفت آن ها نیز کاملا مشخص است که ریشه در حسادت و پخل دارد. اما باید اذعان نمود که نبی از مدیران پاکدست و خدمتگزار است که در همه سال های حضورش در فوتبال خدمات موثر و ارزشمندی داشته است.

منکر این نیستیم که به هرحال ایراداتی و بعضا نقصانی به برخی از عملکردش وجود دارد اما این به آن معنا نیست که ارشدیت و مرشدیت او را در فوتبال نفی کنیم. رجاء واقع دارم با اوضاعی که اکنون فوتبال ما با آن رو به روست اگرچه نبی کار دشوار و روزهای بسیار سختی پیش رو خواهد داشت اما او روزهای بحرانی تر از این ها را مدیریت کرده است.

نبی به عنوان فردی متعهد بهتر از هرکسی می داند که متاسفانه سنگ اندازی و بی اخلاقی در ارکان مختلف جامعه ما به ویژه ورزش و فوتبال نهادینه شده و او باید همانگونه که در گذشته با شهامت و سلامت، قطار فوتبال را به حرکت در آورده این بار نیز او انتظار می رود آرامش را با عقلانیت به فوتبال کشور بازگرداند.



PDF

برای دانلود فایل پی دی اف
همه شماره های روزنامه
به سایت «دنیای هوادار»
مراجعه کنید

www.Donyayehavadar.ir

دیدگاه هوادار



با مردم راستگو باشید!
سرخابی ها قابل
واگذاری نیستند

سیدرضا فیض آبادی - نویسنده و خبرنگار
وزیر ورزش هرگاه سوزه ای برای مطرح کردن ندارد و از آن جا که دوست دارد تیتیر یک باشد بحث واگذاری استقلال و پرسپولیس را مطرح می کند و جالب اینکه ۵ ساله که «مسعود سلطانی فر» از جمله «به زودی واگذار می شود» استفاده می کند. خوب، همین واژه بیانگر سرکاری بودن قضیه است... از طرف پرسیدند کی عروسی می گیرید گفت یک شب جمعه! شده حکایت جناب سلطانی فر... می گوید به زودی واگذار می شود. اینجا من می خواهم از طرف دکتر «محمد دادکان» خدمت وزیر ورزش عرض کنم که اگر واقعا راست می گوید پرسپولیس را به ایشان واگذار کنید یک ریال هم پول نمی خواهد. دادکان که فردی موجه و همه جوره مورد اعتماد است. حرف و قولش حجت است و می دانید که او می تواند. استقلال هم به اندازه کافی افراد مورد وثوق دارد ولی موضوع اینجاست که واگذاری بحثی تکراری و از ریشه پر از ایراد است.

سلطانی فر که سهل است بزرگتر از او هم نمی توانند سرمایه های ملی را واگذار کنند. استقلال و پرسپولیس سرمایه ملی اند. سرمایه ملی قیمت ندارد چه کسی می تواند هویت فوتبال را به فروش برساند. استقلال و پرسپولیس سرمایه های عظیم ملی اند. متعلق به تمامی هواداران. با این وجود بفرمایید سرمایه ای که متعلق به همه ایرانیان

است را با چه قیمتی می توان واگذار کرد؟! یک راه وجود دارد. بازهم ناچاریم مثالی بزنیم: فردی بد رو و خشن نوزادی را بغل کرده بود و نوزاد زار میزد یکی به او گفت بچه را بگذار زمین تا آرام شود. هرچه هست از قامت ناسزا و نازیبایی توست...

استقلال و پرسپولیس را به صورت امانت به دو فرد موجه و امتحان پس داده بسپارید و فقط نظارت کنید. اما آیا آقایانی که با پرسپولیس و استقلال معامله می کنند و آقازاده ها دوستان و رفقای خود را به این دو باشگاه می برند و می آورند حاضرند دست از این خوان نعمت عظیم بردارند؟

پرونده مدیرعامل سابق استقلال را مرور کنید تا ببینید پسر یکی از مدیران ارشد وزارت ورزش چطور او را عمو جان صدا می کرد و چه بازیکنانی را با چه قیمت هایی آوردند در حالی که مشابه آن را در پرسپولیس هم می توان دید تا پی به این ببرید که واگذاری استقلال و پرسپولیس از ریشه بی اساس است و اگر هم یک روزی بخواهند چنین کنند ریزه خواران اطراف این دو باشگاه تا پای خون خود هستند و نمی گذارند مگر حکم دولتی باشد و آن هم به شرط امانت...

آقای سلطانی فر! شما استقلال و پرسپولیس را رها کنید این دو باشگاه روی پای خود می ایستند منتهی آن ها را به اهلس بسپارید نه رفقای اقتصادی و سیاسی دیرروز و امروز و فردا!



«رسول پناه»: استعفایم از پرسپولیس شایعه است



آن مساله هم شایعه بود. رسول پناه در شرایطی که خود را به خودریش رسانده بود و به دنبال فرار از این سوالات بود در واکنش به موضوع کناره گیری و انتخاب مدیرعامل جدید نیز گفت: هنوز هیات مدیره تشکیل جلسه نداده و این جلسه مربوط به امروز درباره مسائل مالی بوده است.

سرپرست پرسپولیس در پایان جلسه امروز هیات مدیره در تلاش برای عدم پاسخگویی درباره آخرین وضعیت باشگاه بود.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از ورزش سه، رسول پناه، سرپرست باشگاه پرسپولیس که بعد از استعفای محمدحسن انصاری فرد به این سمت رسیده، طی روزهای اخیر در کانون برخی اخبار و حواشی قرار گرفته است.

مهم ترین موضوع شکل گرفته علیه سرپرست کنونی باشگاه مربوط به دریافت پول از موسوی، عضو هیات مدیره سابق باشگاه استقلال بود. در پایان جلسه امروز هیات مدیره و در شرایطی که خبرنگاران با حضور در محل ساختمان باشگاه به دنبال پاسخی در خصوص مسائل اخیر این تیم بودند، اعضای هیات مدیره به سرعت محل را ترک کردند. در این بین رسول پناه در میان سوالات پیاپی خبرنگاران و در شرایطی که به دنبال رهایی از آن بود به برخی سوالات پاسخی کوتاه داد و ابراز امیدواری کرد در فرصتی مناسب پاسخگوی کامل ابهامات موجود باشد.

رسول پناه درباره شایعه استعفای خود از سمت

سرپرستی و هیات مدیره این باشگاه گفت: بحث استعفای من شایعه است.

سرپرست پرسپولیس در بخش بعدی سوالات درباره موضوع مربوط به دریافت پول از موسوی که این روزها خبرساز شده نیز گفت: من قبلا به این موضوع پاسخ داده‌ام. این سوالات حاشیه است و جوابی نمی دهم و